

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره پیاپی ۴۸، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۵۹ تا ۳۸۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

(مقاله پژوهشی)

سبک شناسی تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندر بیگ منشی

مرجان رضاتاجی^۱، دکتر احمد ذاکری^۲



چکیده

عالم آرای عباسی، کتابی است در باب تاریخ پادشاهان صفوی، از زمان شاه اسماعیل یکم تا پایان پادشاهی شاه عباس یکم، که توسط اسکندر بیگ ترکمان، ملقب به منشی، یکی از دبیران دربار صفوی نوشته شده است. این کتاب در کل مهمترین سند تاریخی دوران شاه عباس یکم و پنج سال ابتدایی سلطنت شاه صفی محسوب می‌گردد که به نثری ساده اما آشفته نوشته شده و از بهترین کتاب‌های تاریخی دوره خود به شمار می‌آید. در مقاله حاضر، کتاب عالم آرای عباسی براساس سه رویکرد زبانی، ادبی و فکری بررسی شده که از مهمترین ویژگی‌های زبانی این کتاب، می‌توان به فراوانی واژگان مغولی غریب و نامأنوس در هر سطر، اقتباس از آیات و احادیث، استشهاد به اشعار عربی و فارسی اشاره کرد. در این اثر اطناب و کثرت مترادفات بسامد بسیار بالایی دارد تا حدی که به تکرار و گزافه‌گویی منجر شده است. از بین رفتن جمله‌بندی‌های موجه به شیوه قدیم و فخامت و جزالت نثر به ضعف تألیف و سستی الفاظ مبدل گشته است و به نوعی آن ابهت و استحکامی که در زبان دری موج می‌زند، در این اثر وجود ندارد. در بعد ادبی گرایش زیاد نویسنده به انواع سجع، جناس، تشبیه و کنایه است. و در حوزه ویژگی‌های فکری به سنت‌های گفتاری (اعتقادات، ارزش‌ها، دانش‌ها) و سنت‌های رفتاری (رسوم اخلاقی و قومی، باورها) و سنت‌های مادی (کیفیت کالاها، بناها و ابزار) پرداخته است. مقاله پیش رو می‌کوشد تا چگونگی سبک این اثر را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: عالم آرای عباسی، ویژگی‌های سبکی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

^۱ دانش آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

marjanrezataji@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول).

ahmad.zakeri94@gmail.com

مقدمه

عالم آرای عباسی، به قلم اسکندر بیگ منشی، که یکی از دبیران دربار صفوی است نوشته شده. کتابی است در باب تاریخ پادشاهان صفوی، از زمان شاه اسماعیل یکم تا پایان پادشاهی شاه عباس یکم. این اثر در کل مهمترین سند تاریخی دوران شاه عباس یکم و پنج سال ابتدایی سلطنت شاه صفی محسوب می‌گردد که به نثری بینابین نوشته شده و از بهترین کتاب‌های تاریخی دوره خود به شمار می‌آید.

در این کتاب، اسکندر بیگ از لغاظی و بکار بردن صنایع ادبی اجتناب کرده و با اینکه بطور قطع با علوم ادبی و مکتب نثر نویسی مرسوم آن زمان آشنا بوده، کتاب را به نثری ساده و روان و کم غلط نوشته است او در ضمن بیان مطلب تاریخی، شعر مناسب موضوع را می‌آورد، و اشعاری به زبان فارسی و گاهی ترکی را ضمیمه مطالب خود می‌کند.

پیشینه تحقیق

عالم آرای عباسی یک بار در سال ۱۳۱۴ هجری در تهران، به صورت چاپ سنگی و بار دیگر از روی همان چاپ، به سعی و اهتمام انتشارات امیرکبیر، در سال ۱۳۵۰ منتشر شده. که ایرج افشار بر این چاپ مقدمه و چند فهرست سودمند افزوده و ذیل عالم آرای عباسی را آقای احمد سهیلی خوانساری در سال ۱۳۱۷ در تهران به طبع رسانیده است. تصحیح جدیدی هم از آقای فرید مرادی موجود است که توسط انتشارات نگاه به تازگی منتشر گردیده است اما تا به امروز شرحی در باب این اثر نوشته نشده است و تنها تحقیقات اندک در قالب پایان‌نامه دانشگاهی در باب این موضوع به چشم می‌خورد که به قرار زیر می‌باشد. بررسی تطبیقی تاریخ عالم آرای عباسی با تاریخ عالم آرای نادری، به کوشش پریسا پرگر، بررسی تطبیقی سطح زبانی و ادبی تاریخ گردیزی و عالم آرای عباسی، به کوشش الهه ابراهیمی، رجال عالم آرای عباسی، به کوشش عباس آقایی و بررسی تطبیقی تاریخ نگاری خلاصه التواریخ و عالم آرای عباسی، کبری محمدی.

روش تحقیق

روش کار در این مقاله به صورت تحلیل ساختاری است و تحقیق بنیادی با استفاده از فیش برداری و تحقیقات کتابخانه‌ای می‌باشد ضمن اینکه نبود تحقیق جامع و کاملی در خصوص

سبک‌شناسی عالم آرای عباسی، ضرورت انجام این پژوهش می‌باشد.

مبانی تحقیق

اسکندر بیگ منشی

اسکندر بیگ ترکمان مشهور به «منشی» در سال ۹۶۸ هجری ولادت یافته و از ابتدای احوالش اطلاع دقیقی در دست نیست اما چنانکه خود در دیباچهٔ عالم آرا نوشته در دوران جوانی به یادگیری علم سیاق پرداخته و بعد از آنکه در این فن تبحر یافت به علم انشا توجه کرد و دیگر دانش‌های زمان خود را به ویژه علوم ادبی و شرعی را نیز فراگرفت.

اسکندر بیگ از سال ۱۰۰۱ هجری منشی دربار شاه عباس صفوی شد و علاوه بر مهارت در انشاء، خط نستعلیق را به زیبایی می‌نوشت. از او مجموعه منشات و کتاب معروف تاریخ عالم آرای عباسی باقی مانده است.

تألیف عالم آرای عباسی از سال ۱۰۲۵ هجری آغاز شد و به دلیل منصب نویسنده‌اش در دربار، دارای مطالب و رویدادهای مهم سلطنت سلسلهٔ صفوی می‌باشد و وجه دیگر ارزشمند این کتاب شرح احوال شاعران، عالمان، سادات و هنرمندان و ارکان دولت او از وزیران و امیران و غیره می‌باشد که بسیار قابل استفاده برای محققان است. (ر.ک: صفا، ۱۳۷۸: ۶۳۱)

تاریخ عالم آرای عباسی

تاریخ عالم آرای عباسی، که در شرح و احوال و اعمال پادشاهان صفوی از آغاز حکومت این سلسله تا مرگ شاه عباس نوشته شده است. به نظر میرسد که مؤلف نام کتاب خود را به عالم آرا به این علت موسوم کرده که فضل الله بن روزبهان خنجی، پیش از او کتابی به نام «تاریخ عالم آرای امینی» تألیف کرده بود که سراسر آن در انتقاد از حکومت صفوی و پادشاهی شاه اسماعیل اول و شرح اعمال خشن و دشمنی و جدال اهل تسنن و تشیع بود.

اهمیت و امتیاز خاص تاریخ عالم آرای عباسی درین است که مؤلف آن خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و اتفاقات آن دوران پرهیاهو بوده و طبعاً در نقل اخبار و شرح مربوط به آن سوانح دقت لازم را به کار برده است.

البته به نظر می‌رسد نویسنده از آن جا که مقرب دربار شاه بوده است، از ترس جان یا از برای خوشامدگویی، به روند و سیر حوادث و اتفاقات دست برده باشد و یا برخی موارد را

از منظری دیگر بیان کرده باشد که مورد تأیید شاه دربار قرار گیرد.

اسکندر بیگ ترکمان همان طور که خود در کتابش اشاره می‌کند از لفاظی و به کاربردن صنایع ادبی اجتناب کرده و با اینکه با علوم ادبی و سبک نثرنویسی مرسوم آن زمان آشنا بوده، کتاب خود را به نثری ساده و روان و نوشته است و خصوصیت نثر او موجب رواج و شهرت کتاب اوست. البته باید در نظر داشت که ایشان به دلیل تقرب به دربار از مداحی و ستایش بزرگان و شاه در لابه لای نوشته‌هایش هیچ کوتاهی نکرده و عموم مطالب و وقایع را ابتدا به امر، با مدح و دعا و ستایش در حق شاه مربوط آغاز نموده که البته سمت مورخ دربار بودنش توجیهی خواهد بود درباب این گونه نوشتار.

تاریخ عالم آرا در سال ۱۰۲۵ تألیف شد. مؤلف در این سال به مناسبت پایان سی امین سال پادشاهی شاه عباس تألیف را آغاز کرد و کتاب را به سه بخش تقسیم نمود. به این ترتیب که جلد اول مشتمل بر حوادث و وقایع و وصف اوضاع تاریخی پیش از شاه عباس (یعنی تا آخر پادشاهی شاه سلطان محمد) و جلد دوم حاوی حوادث سی سال نخستین پادشاهی شاه عباس است. جلد سوم هم که لازم بوده است به مرور نوشته شود به حوادث سال‌های پس از ۱۰۲۵ اختصاص داده شده که با مرگ شاه عباس در سال ۱۰۳۷ ه.ق پایان می‌گیرد. بنابر گفته خود اسکندر بیگ این مقدمه «در ذکر نسب همایون آن حضرت و بیان اسامی سامیه اجداد عالی مقدار و مقامات عالی مشایخ بزرگوار که بر سریر سلطنت معنوی و ارشاد تمکن داشته‌اند و ظهور دولت این خاندان و شرح ولادت با سعادت آن حضرت و خلاصه اطوار زکیه و مجملی از اوصاف جلیله ایشان می‌باشد» که بر سبیل اجمال شامل بر دوازده مقاله است با عناوین مذکور:

مقاله اول: در ذکر پادشاهان کامکار و وقایع زمان دولت آن شهریار عالی تبار و قضیه ارتحال حضرت شاه جنت مکان و ذکر سلطنت اسمعیل میرزا و نواب سکندر شأن و جلوس همایون بر تخت فیروز بخت سلطنت ایران.

مقاله دوم: در ذکر توجه و استغراق آن حضرت بدرگاه الهی و کیفیتی که از اجداد کرام میراث یافته.

مقاله سیم: در اصابت رأی و دانش خداداد و حسن تدبیر که مطابق صحیفه تقدیر است.

مقاله چهارم: در شایستگی رتبه صاحبقرانی و ذکر مخاطرات ایام سعادت فرجام. مقاله پنجم: در عدل پیرایی و ترفیه حال عباد و امنیت طرق که موجب آرایش بلاد است.

مقاله ششم: در نفاذ امر و قهاری و آتش مزاجی که حکمت‌های نامتناهی الهی است. مقاله هفتم: در قاعده‌هایی که در امور جهاننداری وضع نموده. مقاله هشتم: در بی‌تعینی و درویش‌نهادی و بی‌تکلیفی‌ها و جمعیت‌زدین. مقاله نهم: در ذکر احقاق حقوق خدمت‌گزاران و دوری‌جستن از مملکات ذوی‌الحقوق که شیوه حقیقت‌گزینان عالم فتوت و مروت است. مقاله دهم: در تعاریف احوال سلاطین عالم و طبقات بنی‌آدم و خصوصیات ممالک و مسالک اقالیم سبعه.

مقاله یازدهم: در ذکر آثار خیر و انشاء و احداث عمارات عالیّه ممالک. مقاله دوازدهم: در بیان ممالک و محاذبات و فتوحات ایام دولت همایون اعلی از یک جلد. صحیفه دوم: در ذکر احوال خجسته مآل زمان جلوس میمنت مانوس تا حین تحریر مطابق سنه خمس و عشرين و الف.

لازم به ذکر است که نویسنده هر بخش کتاب را در قالب تشبیهات و توصیفات ظریف، با اشاره‌ای به تغییر فصول یا گذر زمان آغاز نموده و عموماً با استفاده از نجوم قدیم اشاراتی به حرکت خورشید، از برجی به دیگری و حوادث و باورهای مربوط به آن را دارد. «در این سال خجسته آغاز بهجت انجام سلطان چهاربالش ایام که مسندنشین تخت چهار ارکان فلک مینافام است، یعنی خورشید جهان آرا از مسکن افسرده دی میل طریخانه از و شرف نموده، یازده ساعت شب شنبه بیست و یکم ماه صفر ختمت بالخیر و الظفر برج حمل تحویل نمود.» (ترکمان، ۱۳۹۲: ۸۸۶)

در نهایت اسکندر بیگ پس از وفات شاه عباس و به تخت نشستن شاه صفی دنباله تاریخ خود را رها نمی‌کند و شروع به نوشتن ذیل تاریخ عالم آرا می‌نماید که شامل حوادث ایام سلطنت شاه صفی است اما اجل به او امان نداده و کارش در همین مرحله ناکامل باقی می‌ماند.

بحث

فواید و محسنات تاریخ عالم آرا

کتاب عالم آرا علاوه بر ذکر تاریخ وقایع و حوادث به مباحث و مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی هم توجه داشته است. زیرا مؤلف آن به احوال مردم و اجتماع آن وقوف کامل دارد. و دیگر اینکه با مطالعه این کتاب اطلاعات کثیر و مفید در چگونگی تشکیلات اداری و سپاهی و مسائل مالی و شرعی آن عهد به دست می‌آید که در تدوین و تألیف تاریخ اجتماعی ایران کاربرد خواهد داشت. (ر.ک: همان، ۱۵-۲۳)

فایده دیگر این کتاب ثبت وقایع مربوط به تاریخ ملل همسایه و مجاور ایران مانند عثمانی‌ها و گرجی‌ها سلاطین تیموری هند و ترکمانان ماوراءالنهر است که برخی از این وقایع در کتاب‌های دیگر ضبط نشده است.

این کتاب ترجمه احوال دانشمندان و علماء و سران سپاه و رجال حکومت و نقاشان و خوشنویسان و شاعران و مطربان عهد صفوی است و اطلاعات دقیقی در باب آنها می‌دهد و همین طور دارای اطلاعاتی مربوط به طوایف و قبایل و عشایر ساکن ایران آن عهد است که امور دولتی و سپاهی غالباً در دست آنان بود و مناصب دیوان بیگی و امیرالامرائی و وزارت و وکالت به آنان اختصاص داشت.

و از فواید دیگر این کتاب می‌توان به بسامد بالای لغات و اصطلاحات مهجور و نادری اشاره کرد که در عهد ما به کلی فراموش شده و به وسیله چنین کتابهایی ثبت و ضبط گردیده است.

سبک‌شناسی

اصطلاح «سبک» که در زبان شناسی و ادبیات بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیر باز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است اما در یک نگاه کلی در زبان فارسی اصطلاح سبک‌شناسی را نخستین بار محمد تقی بهار برای عنوان کتاب خود، سبک‌شناسی نثر به کاربرد. سبک‌شناسی دانش تحلیل و تفسیر بیان‌ها و شکل‌های متفاوت سخن است بر پایه‌های عناصر زبانی، ارزش این علم در عینی‌گرایی آن است که در بسیاری از قلمروهای علوم انسانی به کار آمده است. اما بهترین نتایج از این دانش در مطالعات ادبی به کار رفته

است زیرا سبک‌شناسی در گستره ادبیات، کارایی‌های ویژه‌تری نسبت به دیگر قلمروهای زبانی دارد بنابر این سبک‌شناسی می‌خواهد کلیدهایی برای افزایش درک و فهم خود پیدا کند مثلاً درک معنای ادبی متن، شناخت پیشینه ذهنی، شخصیت، درک، مقاصد نویسنده و نیز آشنایی بهتر و دقیق‌تر با شرایط و بافت آفرینش متن. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۹۵)

پاره‌ای از ویژگی‌های سبکی نثر عالم آرا

نثر در این دوره با شتاب رو به پستی می‌گراید. ترکیبات عربی و عبارات نا پخته جای ترکیبات لطیف و اصطلاحات فارسی را گرفتند. این حالات که از عهد تیموریان آغاز شده بود در عهد صفوی بر قرار گشت و تا حدی هم شدت یافت. اساساً تأثیر فساد و تیره بختی و فلاکت چند قرن گذشته و قتل و فرار کردن گروهی مردم آزاده از ترس استبداد دولت‌های مذکور به خارج ایران و کشته شدن گروهی از آنان یا مردن از گرسنگی و فقر، همه این‌ها چنین نتیجه داد که در عصر اعتلای صفویه یعنی زمان شاه عباس اول (۱۰۳۷-۹۸۵) ایران از نویسندگان ماهر و قوی پنجه خالی بماند. فارسی‌نویسی درین عصر دارای آن کیفیت و آهنگ و اعتلای خیال و برجستگی الفاظ و ترکیبات قدیم نیست. فارسی‌نویسی در این دوره بر خلاف نثر قبل از مغول که هم به لحاظ صورت عالی و هم دارای معنای والایی بود، قدرت چندانی ندارد.

اسکندر بیگ منشی نثر ساده البته نزدیک به سبک بین بین را برای اثر خود انتخاب کرده است نثری که نه چندان ساده است و نه چندان دشوار و میتوان گفت که در اصل قصد نویسنده، آسان‌نویسی بوده است منتهی امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های دیگر این نوع نثر حبیب‌السیر و احسن‌التواریخ (حسن بیک روملو)، رساله صاعیه (میر ابولقاسم میرفندرسکی)، حدیقه الشیعه احمد بن محمد آذربایجانی معروف به مقدس اردبیلی است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۱۶)

در زمان اسکندر بیگ منشی، سطح معلومات و کیفیت تاریخ‌نویسی تنزل یافته بود و زبان فارسی و علت طول زمان و عدم تدریس و از یاد رفتن لغات دری محتاج به بازنگری و دوباره سازی بود و به لحاظی دیگر به دلیل پایین بودن سرانه مطالعه و دشوار بودن کتب عربی و خوانش آن عموم اهالی قلم به منشی‌گری می‌پرداختند و کسانی هم که به علوم

مشغول بودند به ادبیات نپرداخته و توجهی نداشتند. بر همین مبنا نثری ناقص و معیوب روی کار آمد و مردم خراسان و افغانستان و ترکستان هم که زبانشان دری بود در این زمینه قوت چندانی نداشتند و غالباً به زبان ترکی سخن می‌گفتند. در این میان، اهالی هندوستان به نسبت روند بهتری داشتند و از قدیم در تحصیل قواعد حروف و اصوات و لغات به دلیل دور بودن از محیط ایران سعی داشتند و فارسی را در محافل ادبی و علمی خود می‌خواندند و اگر تحول و تغییری به حکم طبیعت در زبان آن قوم راه می‌یافت ارتباطی به زبان ادبی و علمی که فارسی بود نداشت و آنان از خراسانیان و عراقیان تازه وارد یا از کتاب‌های اینان تقلید کرده و فارسی را ناکامل می‌نوشتند.

به عنوان مثال لغات و صیغه‌هایی از خودشان ابداع می‌کردند و در صد بالایی لغات مغولی در نوشته‌هایشان موج می‌زد وجود داشت. آنان در نثر فنی هم بسیار متکلفانه پیش می‌رفتند و نوشته‌هایی عاری از تفکر و اندیشه داشتند البته شایان ذکر است که اوضاع ایران هم در این باب کم از هند نبوده است و نوشته‌های اهل قلم آن قدرت و فخامت گذشته را نداشتند. بنابراین کار نثر در این دوره رو به فنا نهاد هر چند که در هندوستان اهل فضل به این نقص و خرابی پی برده و به اصلاح کار برخاستند. اما در ایران کسی به فکر اصلاح نثر نیفتاد و در هند هم که اصلاحاتی در این باب به انجام رسید، دوامی نداشت و فساد و افول نثر مدت‌ها باقی ماند. اما در باب انعکاس و رخدادهای تاریخی آن دوره باید متذکر شد که، نویسنده عالم آرا نسبتاً خوب از عهده نگارش و شرح و وصف صحنه‌های جنگ بر آمده و اگر اسکندر بیگ خود ارتشیار و جنگجو می‌بود و از قوانین جنگ سررشته داشت این، وقایع را با رعایت قواعد و فنون نظامی شایسته‌تری می‌نوشت زیرا به علت عدم آشنایی نویسنده با این گونه اصطلاحات، متن کتاب قدری عامیانه گشته است. البته باید توجه داشت که با تمامی این اوصاف کتاب عالم آرا از بهترین نوع شرح جنگ، جنگاوری تاریخ ادبیات ما به شمار می‌آید به شکلی که جزئیات صف و طریق هجوم جناح‌ها و رؤسای هر دسته و طرز حرکت سپاه را نمودار ساخته و نقشه‌های جنگ‌ها را در کمال خوبی مشخص می‌دارد.

اما به طور کل، فارسی نویسی در زمان اسکندر بیگ عاری از آن اعتلای خیال و برجستگی‌های الفاظ و ترکیبات قدیم است. بر خلاف نثر قبل از مغول که دارای صورت و معنای عالی بودند

و آهنگ کلماتشان از نوعی فنخامت و جذابیت خاصی برخوردار بود این نثر که در دوره صفویه رواج یافته بود سبکی سطحی و اصطلاحاً بچگانه را داراست به شکلی که از الفاظ و زینت و آرایه‌های عمیق خالی ایست حال با بررسی‌های دقیق تر در سه حوزه سبکی و بررسی زبانی و ادبی و فکری به مواردی از این قبیل برخورد خواهیم نمود.

سطح زبانی

استفاده از ترکیبات عربی در متن فارسی

- در عالم آرا گاه ترکیباتی که در نثر و زبان عربی رایج و پرکاربرد است دیده می‌شود مانند:

- حضرت شاهی ظل اللهی نذر فرموده بودند... (۶۱۰)

- الله وردی خان مره بعد اولی عزیمت لار نمود (۶۱۷)

- حسب الاستدعاء ظهیر السلطنه محمد بایر میرزا حکم همایون از صدور یافت (۳۹)

- خطبه و سکه به القاب مطهراتمه اثنی عشر صلوات الله علیهم الملک الاکبر و نام همایون آرایش یافته. (۳۹)

- به لطایف الحیل این حادثه را دفع نماید. (۶۱۷)

فراوانی جمع مکسر

- در ازمنه سابقه قبل از ظهور اسلام... (۶۱۶)

- عساکر منصوره در کمال قدرت به شهر در آمده... (۶۱۷)

- جلوس همایون به قوافل اخلاص روی نیاز به درگاه... (۶۱۶)

- خصوصاً در زمان اکاسره اطاعت گونه به ظهور می‌آوردند (۶۱۶)

- قصه پردازان انجمن اخبار بدایع آثار فتح خراسان را... بدین عنوان ایراد نموده‌اند (۳۶)

استفاده از نشانه جمع ات:

- سجدات شکر الهی به تقدیم رسانیده (۵۶۷)

- جناب اعتماد الدوله تکفل مدعیات و قبول ملتسمات او کردند (۷۹۵)

- بعد از واقعه فرهادخان منظور الطاف شاهانه گشته به وزارت کل گیلانات منصوب گردید

(۸۰۳)

- خوان سالاران اشربه و مربیات و میوه و اطعمه الوان چنانکه باید... (۱۰۲)
 - ضبط تجلیلات انوار الهی است خورشید مثال درخشیدن آغاز نهاده (۵۶۸)
- استفاده از صفت مفعولی به جای سوم شخص

- قرچقای بیک کس نزد الله وریخان فرستاده اعلام کرد که رومیان چیره شده (شدند).
- (۶۹۸)

- ناگاه تیری بر مقتل آن بد گوهر رسیده (رسید). (۶۸۹)
 - بی تابانه به معاونت او اسب جلادت پیش رانده (راند) به نفسه مباشر حرب گشته (گشت).
- (۶۹۴)

- کستندیل خان این صورت را مشاهده نموده بی تابانه به معاونت او اسب جلادت پیش رانده (راند). (۶۹۴)

- بالجمله چون در بادغیس جمعیت لشکر و ازدحام خیول دست به هم داده (داد). (۶۸۹)

اطناب

یکی از ویژگی‌های عالم آرا اطناب است. یعنی نویسنده برای تأکید و تقویت معنای مورد نظرش یک مضمون و مفهوم را در قالب الفاظ مختلف تکرار می‌کند تا در ذهن خواننده نفوذ بیشتری پیدا کند در عالم آرا مکرراً با اطناب‌های ملال آور نویسنده مواجهیم، که در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- خسرو ملک خاور که مربی عالم کون و مکان است از نهان خانه حوت بیرون خرامید.
- (۶۰۹)

- بر مرحله پیمایان فراز و نشیب حوادث روزگار تجربه کاران طوارق لیل و نهار ظاهر و آشکار است. (۴۴۸)

- عندلیب نغمه پرداز قلم در گلشن احوال این یورش خیر مأل بدین مقال می‌سراید...
- (۷۲۴)

- نوروز میمنت مأل این سال در روز شنبه اتفاق افتاده چهار ساعت شب شنبه مذکور تخت نشین فلک چهارم از آرامگه دی بیرون خرامیده بر مسند غرور شرف تمکین یافت اعنی

شاهد بهار عالم آرای با هزاران برگ و نوا چهره نما گشته روشنی بخش فضای روزگار گردید (۴۴۵)

- در این سال رأی صواب نمای اشراف اعلی که شعله افروز خطایر غیبی و روشنی بخش دیده باریک دقایق لاریبی است... (۷۶۰)

قید تکرار

- از باده هوش ربای نخوت سرمست گشته فوج فوج و سنجق سنجق از اردوی خود بیرون آمده (۶۹۷)

- کوچ بر کوچ سبیل استعجال از راه طسوج روانه بود (۶۹۶)

- جوق جوق و گروه گروه می رفتند (۷۰۳)

- اکثر امور وزارت دیوان اعلی ازو متمشی می شد و یوماً فیوماً پایه قدر و منزلتش درجه ارتفاع می یافت (۷۲۶)

- چون مشاهده می شد که فوج فوج و آلی آلی جنود رومیه از اردوی سردار بیرون آمده (۶۹۸)

افعال پیشوندی

- هر طبقه در مکانی مناسب فرود آورده نزل و ساوری احتیاج دادند (۷۷۳)

- سپاه ظفر پناه باز پس کشید (۶۲۶)

- بعد از خبر مراجعت موکب همایون در آن داعیه باز آمده اند (۶۳۲)

- به حراست دست چپ اردو و معین بودند باز خوردند... (۶۲۹)

- آن را فرود آوردند که روی آن گشوده گشته اکراد به شولق آمد (۷۹۹)

تضمین و استشهادات عربی یا آیات قرآنی

از مهم ترین ویژگی های عالم آرا استفاده و تضمین از آیات قرآنی و عبارات عربی است که موجب کثرت لغات عربی شده. در زیر به نمونه هایی از این ترکیبات اشاره می شود:

آیات قرآنی

- کیدی که آن ذنب اندیشیده بود رجعت کرده فحوای کریمه «ولا یحیی المکرالی الا باهله بابلغ

و جهی» شرف ظهور یافت. (۷۰۱)

- از شناخت آن دیده بصیرت پوشیده دارند و مدلول آیه کریمه «قال لوالدیه اف لکما» بر این معنی دلیلی روشن و برهانی مبرهن است. (۶۸۹)
- از مفتی و قاضی استفسار کردند ایشان بر حسب آیه کریمه «و لا تلقوا بایدیکم الی النهلکه» آن جماعت را به صیانت نفس و مال و متابعت دلیل نمودند. (۶۴۲)
- چگونه از عهده سؤال و جواب مالک متعال که «یوم لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ولا یقبل منها شفاعت و لا یؤخذ منها عدل و لا هم ینصرون که با آیه کریمه ولنستلن الذین ارسل الیهم و غیرها ثابت شده تواند بیرون آمد...» (۳۹۰)
- مولانای مذکور تفأل نمود این آیه کریمه برآمده بود که «الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثه الاف من الملائکه منزلین بلی ان تصبرو او تتقوا و یاتوهم من فورهم ها یمدکم ربکم بخمسه الاف من الملائکه» مسومین از مدلول آیه کریمه ظاهر شد. (۱۰۷۵)

عبارات و ترکیبات عربی

- حضرت اعلی سخنان حقیقت بینان که حسب کلام الملوک ملوک الکلام آویزه گوش خردمندان روزگار تواند بود (۶۲۳)
- کلام مشهور مجرب الصبر مفتاح الفرج مؤید این معنی است (۷۰۳)
- از زیارت مراقد متبرکه کاظمین علی مشرفهما الصلواة والتحلیه عنان عزیمت به صوب مراجعت انعطاف داده. (۱۰۵۱)
- اموال و اسباب لاتعد و لاتحصی به دست گرجیان درآمد. (۱۰۲۵)
- زبان قلم راز از تعداد کشیده داشت رحمة الله علیهم و علی جمیع اهل الایمان والایقان. (۶۳۰)

استفاده از ابیات عربی

- | | |
|------------------------|-----------------------------|
| بهر جمعیتی وصل توجویم | لعل الله یجمعنی وایاک (۳۹۴) |
| و کم لله من لطف خفی | یدق خفاه عن فهم الزکی |
| و من یسراتی من بعد عسر | و فرج کر به القلب الشبجی |
| و کم امر تساء به صباحا | و تأتیک المسرة بالعشی (۲۴۳) |

ابیات ترکی

نه کیدی عثمانلودن بیزه یاروم وار (۱۰۵۶)	نه بغداد ون نه بصره ون مکوروار
سولدوش امکنه دوتوی آخر امکم (۳۶۱)	ای شاه جهان بی اثر اولدی دیمکم
معرفت ملکنی آل خسرو تاتاراوله کور (۷۷۹)	اغزائی ینه بو شعر دربار نک ایله
کیمدور که او ننک غمزه مسندن جان اپاره	کونکلم قوشین اول نرگس فتان اپاره
کربوالسه من راضیم ایمانمی شیطان اپاره (۳۰۶)	شیطان شیطان دیدی و کلری
دوتدی غم الی الم تیکانی اتکم	ای شاه جهان بی اثر اولدی دیمکم
سولدوش امکنه دوتدی آخرامکم (۲۶۰)	یوز بیلدکی خدمتله درکاهنده

افعال آغازی

- اما رایات فتح و فیروزی و علامات نصرت و بهروزی ظاهر شدن گرفت (۵۶۷)
- ضبط تجلیلات انوار الهی است خورشید مثال درخشیدن آغاز نهاده (۵۶۸)
- اشک و شادمانی از دیده‌ها باریدن گرفت (۵۶۸)
- برق کلاه خود و درع و خفتان درخشیدن گرفت (۵۷۱)
- ابراهیم خان در آن سال اندک مدارائی کرده دیگر باره طریق خلاف پیمودن گرفت. (۶۱۷)

حذف شناسه‌ها در حالت مصدری

- من از آن جا بازگشته (گشتم) خود را به شهر انداخته (انداختم) مخفی گشتم (۵۷۳)
- حضرت اعلی سلاطین زاده‌ها را در آغوش کشیده (کشید). (۶۱۰)
- جنود نامحمود خود را از پیاده و سوار جمع آورده (آوردند) در میان بیشه و جنگل... (۸۶۹)
- ایلچیان مذکور در اصفهان مرخص گشته (گشتند) به اتفاق میر خلیل... (۸۶۶)
- حضرت اعلی شاهی ظل الهی مراسم اعزاز و احترام مسلوک داشته (داشتند) ابواب عاطفت و احسان بر چهره اوانی و آمال ایشان گشودند (۳۹)

فراوانی واژگان عربی

- محل استجابت دعا و مهبط فیوضات عالم بالاست. (۶۱۱)

- صفویه الی الغایه طریق اطاعت داشتند (۶۱۶)
- سابقاً به قلم وقایع نگار مرقوم صحایف اخبار گردید که حسب الاتماس علیقلی خان و جذب قلوب مرشد قلیخان و امراء را از حکومت... معزول نموده (۲۹۳)
- در ثلاث و خمسین و تسع مائه که از القاس میرزا آثار خلاف بظهور آمد (۸۵)
- در شهر سنه سبع و اربعین و تسع مائه نیت غزا و جهاد در خاطر خطیر معدلت نهاد اشرفت صمیم یافته ظاهرأ به قصد نشاط و سیر و شکار به جانب قراباغ در حرکت آمدند (۸۴)

استفاده از اشعار شاعران

اسکندر بیگ در راستای تکمیل اثر خود، از اشعار بسیاری از شاعران زمان خویش و بعضاً از ابیات شاعران برجسته ادب فارسی بهره جسته است و در لابه لای کتابش به کار برده است. از شاعرانی که هم دوره او بوده اند و در کتاب خود از آنها و شعرشان یاد کرده می توان به: ضمیری اصفهانی، محتشم کاشانی، املح الشعرا مولانا ولی، وحشی یزدی، خواجه حسین ثنایی خراسانی، میر حیدر، ملک طیفور انجدانی، میر و الهی قمی، مولانا ملک قمی، مولانا فهمی، حاتم کاشی، میر حضوری قمی، میر صبری روزبهان اصفهانی، میرزا حسابی نطنزی، مولانا حزنی، هلاکی همدانی، مظهري کشمیری، فروغی عطار، طبخی قزوینی، کاکای قزوینی، مولانا شرمی اشاره کرد.

و همینطور ابیاتی از بزرگانی چون، حافظ، سعدی، انوری، فردوسی و به ویژه فردوسی دارد که قدرت کلام او را دو چندان کرده است.

کاربرد بالای لغات ترکی مغولی

از برجسته ترین خصیصه های عالم آرا فراوانی واژگان مغولی است که موجب کثرت لغات مغولی در این متن می گردد واژگانی نظیر:

ایلغار

- به سرعت بر فوج دشمن دویدن، حرکت سریع سپاه به سوی دشمن. (دهخدا).
- مصطفی پاشا از ایلغار حضرت اعلی شاهي ظل اللهی که در خطه عطر بیز تبریز اقامت داشتند... (۶۷۸)

باشلیق

- اسم، ترکی مغولی، یا باشلق، کلاهی که بر جامه‌ای دوخته شده باشد، روسری. پارچه‌ای که چون کلاه بر سر اندازند (دهخدا)
- سردار سنجق بیکیان اکراد را با جمعی رومیه به تاخت و غارت خوی و مرند مأمور ساخته مصطفی باشلیق ایشان کرده (۶۷۸)

اویماق

- قوم و قبیله. (دهخدا)
- کپک سلطان را با تمامت ایل و اویماق استاجلو به غذای گرجستان فرستاده از در خانه دور انداخت (۴۷)
- سنجق:** نشان، لوا، رأیت، پرچم

- کیفیت واقعه آنکه بایزید به فرمان والد بزرگوار سنجق کوتاهیه بود (۱۰۰)
- در میانه این گروه از یساولان و قورچیان معتبر ایشیک آقاسیان و یساول پاشای انقور و دیوان و میرشکاران و توپچی باشیان و جمعی کثیر از هر طبقه و از هر طایفه بودند (۱۴۲)
- یساول: مهتر، رئیس، ایشیک آقاسی: رئیس بیرون، حاجب دربار (دهخدا)
- قورچی: قور مخفف قوران، به معنی سلاح و قورچی، سلاح دار است (همان)
- سطح ادبی:** (آرایه‌های بدیعی)

جناس

- روش تجنیس یا جناس یکی از روش‌هایی است که در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی به وجود می‌آورد و باعث افزونی موسیقی کلام می‌شود. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۹) که در نمونه‌های زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.
- فایزگشته تارک مباهات بر فرق فرقدان می‌سوزند (۶۱۱)
- دادفراغت و خوشدلی را داد (۶۳۱)
- القصه سه شبانه روز سپاهی و رعیت دادعیش و شادکامی داده (۶۳۴)
- کلک سخن پرداز شیرین مقال بقیه احوال جفال و اتباع او را بدین منوال بر صحیفه حال

می نگارد (۷۰۲).

- راقم این خطاب مشکین نقاب از پرده حجاب بیرون آمده (۹۱۵)

اغراق

- صدای نوشانوش به گوش ساکنان ملک اطلس پوش می رسانیدند (۷۰۰)
- از دود تفنگ عالم روشن، تیرگی یافت (۶۹۸)
- آتش حرب به نوعی افروخته گشت که خرمن عمر پردلان معرکه کارزار از آشنا و بیگانه می سوخت گرد و غبار معرکه نبرد به فلک تیز گرد رسید و از دود تفنگ روی هوا تیره و تار گشت (۹۳۵).
- شعله غضب پادشاهانه به نوعی التهاب یافت که هر شراری از آن برق خرمن سوز عالمی بود (۸۹۷)

واج آرایی

- نوروز این سال فرخ فال به فیروزی و فرخندگی... که اول فروردین ۶ ماه جلالی بود (۸۲۸)
- صدای نوشانوش بگوش ساکنان فلک اطلس پوش می رسانیدند (۷۰۰)
- قبل از این در طی قضایای این سال رقم زده قلم شیرین مقال گردیده جفال بد سگال در خطه وان خود را از مضیق محاصره رهانیده. (۶۹۵)

تسجع

یکی از روش‌هایی که با به کارگیری آن، در سطح دو یا چند کلمه یا در سطح دو یا چند جمله موسیقی و هماهنگی به وجود می‌آورد تسجیع است. مدار بحث تسجیع، دو نکته تساوی یا عدم تساوی هجاها و همسانی یا عدم همسانی آخرین واک اصلی کلمه است. به مصادیق تسجیع در سطح کلمه، سجع می‌گویند. که شامل سه بخش سجع متوازی (یکی بودن در حرف روی و هجا) سجع مطرف (حرف روی مشترک) و سجع متوازن (هجا مشترک) تقسیم می‌شود. در کتب سنتی از دو مورد بدیعی به نام‌های جناس مضارع و لاحق یاد کرده‌اند که از نظر ساختار همان سجع متوازی است و نثری که به این شیوه نگاشته شود نثر مسجع گویند. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳)

نثر مسجع در ایران از آغاز پیدا آمدن نثر دری موجود بوده است. لیکن این شیوه به خطبه‌های

کتاب یا در مورد ترجمه بعضی از کلمات قصار انحصار داشته و کتابی که تماماً مسجع باشد، پیشتر از قرن ششم تا به حال دیده نشده است. ظاهراً باید نخستین مسجع ساز فارسی را خواجه عبدالله انصاری شمرد. (ر.ک: بهار، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

البته مسجع در عالم آرا به نسبت نثر خواجه عبدالله و گلستان سعدی بسیار کم رنگ تر و ضعیف تر می باشد اما جزء سبک نوشتاری اسکندر بیک ترکان است که در امثال زیر به برخی از آن نمونه ها اشاره می شود:

نمونه ها:

- در سال ها پیش مرقوم رقم ثواب اندیش گردید (۷۰۶)
- کلک سخن پرداز شیرین مقال بقیه احوال جمال و اتباع او را بدین منوال بر صحیفه حال می نگارد (۷۰۲)
- در ساعت مسعود آن مولود عاقبت محمود از کتب عدم قدم به عرصه وجود نهاد (۶۳۷)
- در آن صحرای پر وحشت از کشته ها پشته ها بوجود آمد (۶۹۹)
- با آنکه آفتاب عالم تاب از مشاهده شدت حرب و خونریزی سر در نقاب حجاب کشیده... (۷۰۰)

آرایه های بیانی

تشبیه

- کوه هامون از سردی دی پوستین قاقم برف در پوشیده کلاه سنجاقی ابر بر سرداشتنند.
- نسیم عنبر شمیم بهار چون مشک تتار عطربیزی آغاز نهاد (۹۳۴)
- پنبه غفلت در گوش مصلحت نیوش نهاد (۵۶۶)
- در این هنگام شهسوار گیتی خرام جهان پیما یعنی خورشید عالم آرا با شکوه عظمت و اقبال از تنگنای مظلم دی بیرون خرامید (۶۵۳)
- ساحت عرصه جهان از لطافت بهار چون روضه جنان طراوت تازه یافت (۷۱۳)

کنایه

- ازین توقعات بی ماحصل و عنان کشیدگی که مخالف رأی همایون بود (۶۲۵)

- به عزم محاربه به پیش آمدند و تیز عنانی کرده (۶۲۷)
- القصه در همان جارخت به سرای آخرت کشید (۵۷۴)
- پای از دایره ملامت بیرون نهاده است (۶۲۲)
- اما زینل خان روزی چند با عبدالله بیک گرگ آشتی کرد (۷۹۹)

اضافه تشبیهی

- آن طایفه عرصه تیغ فنا گشته (۷۱۶)
- باقی خان در بحر تحیر افتاد (۶۲۶)
- چون هنوز پیمانۀ حیاتش پر نشده بود (۸۸)
- چون پیمانۀ نخوت و غرورش از بادۀ پندار لبریز گشته بود (۵۷۵)
- از جرعه های لبریز خون دلیران که ساقی اجل در مذاق روزگار می پیمود (۷۰۰)

سطح فکری

کلمات و جمله ها در حکم مصالحتی هستند نویسنده از آنها برای بیان ساخت بنای اندیشه و تفکر خود یاری می جوید بنابر این یکی از گام های بررسی سبک شناسی متون ، تعیین رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن است. در این مرحله متن از نظر ویژگی های فکری، روحیات، باورها و گرایش ها، نوع نگرش به جهان و جامعه و دیگر جنبه های فکری بررسی می شود.

باورها

اعتقاد به قضا و قدر

- در دو سه سال دولت ظفر مآل چون هنوز اختر بخت ایرانیان در حوض و بال بود بعضی مکروهات که در لوحه قضا مثبت شده بود به حیث ظهور آمد (۳۸۰)

اعتقاد به چشم زخم

- «مجملاً یعقوب خان چندگاه در شیراز کامیاب دولت بوده به عیش و خرمی روزگار می گذرانید تا آنکه چشم زخم روزگار به او رسید و اعمال شنیعه و سوء او رابه کفران نعمت کشانید» (۴۲۶)

اعتقاد به سعد و نحس ساعت

- «در آن روز ساعت بد و قمر در طریقه محترقه بود» (۵۶۰)

تأثیر صور فلکی

- «از سوانح این سال ظاهر شدن علامات آسمانیست اول خطی روشن محرف شبیه شمشیر از جانب مشرق ظاهر شده قریب به هر صبح مرئی می گشت» (۴۱۴)

اعتقاد به فره ایزدی شاهان

- «هریک از این گروه والاشکوه که از درگاه احدیت مأمور امران الله یأمر بالعدل والاحسان اند.» (۳۷۸)

رسم ها و آیین ها

آب پاشان

- جشنی در ایران باستان که تا عهد صفویه بر پا می شد. آب پاشان یا آبریزگان از جمله مراسم معتبر و مشهوری است که به نوروز منسوب است طی این مراسم گویی، افراد با آب پاشی به یکدیگر به نوعی به شست و شو غسل می پردازند. (ر.ک: فرهنگ معین، ذیل واژه)

سورن

- الله اکبر یا مثل آن گفتن لشکریان به آواز بلند در هنگام تاختن بر خصم (همان)

ساوری

- تحفه و پیشکش و آن مرکب است انعامی که در ازای خدمت می دهند (دهخدا)

چوگان بازی

- عمل چوگان باز. یکی از بازی های بسیار ایرانیان قدیم است. (همان)

آداب دربار

کیفیت عزاداری

- خراشیدن و زخمی کردن روی و کندن موی و بی تابیی بر سر نعش «حجله نشینان سرآورده عزت با روی های به ناخن خراشیده و به دست بیتابی موی ها کنده بر سر نعش

آمدند و نوحه و زاری و گریه و بی‌قراری آغاز نهادند» (۳۴۸)

- «دو سه هزار کس در پیش تحفه سینه‌های چاک بر سر خاک ریخته نوحه کنان به اردو رسانیدند» (۳۴۸)

گرایش به شاهد بازی

- «...می‌خواستند که به حوالی خوابگاه به کشیک و پاسبانی قیام نمایند به بهانه آن که نواب عالی با شاهی اراده خلوت دارد» (۳۴۷)

حمایل و یراق بستن

- گویی مرسوم بود، حمایل و یراق بسته به خدمت شاه نروند. «...اوزبکیه گفته بودند که با شمشیر و یراق به خدمت پادشاه رفتن خوب نیست شمشیرها را از میان ایشان گشودند» (۳۸۸)

رافضی کشی

- «هر کس عداوت قدیم با کسی داشت فی الحال به رفض منسوب ساخته ...» (۳۸۹)

استفاده از افیون

- «به سرحد هلاک رسید بعضی دیگر می‌گفتند که تراکیب افیون دار مکرر خورده و طعام زیادتی کرده و نفخ قوی در معده پیچیده راه نفس مسدود ساخت» (۲۱۹)

- «حسن بیک با لکنت زبان به صد تشویش بیان نمود که شب وقت افطار افیون خالص خورد». (۲۱۸)

مصحف گرفتن

- (سوگند یاد کردن) «حسب الامر به طلب شاهزاده آمده ایم و مصحفی به دست گرفته بر صدق قول خود قسم دروغ خوردند و به شاهزاده بر قسم اعتماد نبوده...» (۲۱۲)

سیاه پوشی

- رسم سیاه‌پوشی از فرهنگ و آداب گروه معترضه در جامعه بوده است «...در هر بلوک متغلبی سر به طغیان برآورده رسم سیاه‌پوشی تازه گردیده و در آن بلوک قلعه ترتیب داده» (۵۸۰)

نتیجه‌گیری

عالم آرای عباسی نمونه‌ای از تاریخ و تذکره‌نویسی به سبک نثر بینابین است یعنی نثری

که نه چندان ساده است و نه چندان دشوار که در اصل قصد نویسنده آسان‌نویسی بوده است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۱۶) که مقدمه آن به سبک مصنوع و فنی گرایش دارد. در این کتاب ترکیبات و تعابیر عربی و مغولی به وفور یافت می‌شود.

در فصل‌های مختلف هر کجا نویسنده فرصتی یافته به شیوه نثر فنی به ویژه در مقدمه و آن دم که به مدح بزرگان می‌پردازد به فنی گرایش پیدا می‌کند.

از سویی به کاربرد فنون بیانی و بدیعی، تضمین آیات و احادیث و استشهادات و اشعار فارسی و از طرف دیگر بسیاری واژگان و اصطلاحات مغولی متن را از یکدستی و روانی در آورده است.

اما از آنجا که نویسنده علاوه بر شرح جنگاوری‌های شاهان صفویه و شرح فتح پیروزی‌های آنها در لابه‌لای کتاب به رسومات و باورهای جامعه اشاراتی داشته است. منبع بسیار مطمئن و خوبی می‌تواند باشد. برای جامعه‌شناسی آن دوران. باورهایی که در لایه‌های خود بیانگر نوع نگرش و تفکرات و رفتار دربار و جامعه است، ارزش زیادی دارد. و از آن جا که تاریخ مکتوب هر ملتی به دلیل ملاحظات سیاسی از نظر صحت تاریخی خیلی قابل اعتنا نمی‌تواند باشد با بررسی بسترهای زیرین این گونه متون مانند باورها و آداب و رسوم و جامعه می‌توان به مواردی دست پیدا کرد که شاید در متون تاریخی صرف جای نداشته باشند ولی سندی ایست محکم برای بررسی‌های جامعه‌شناسانه تاریخی.

منابع

اسکندر بیک منشی، (ترکمان) (۱۳۹۲) **عالم آرای عباسی**، تصحیح ایرج افشار، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

بهار، محمد تقی (۱۳۸۸) **سبک شناسی**، چاپ سوم، تهران: زوار.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) **لغت نامه فارسی**، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۸) **نگاهی تازه به بدیع**، چاپ یازدهم، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) **سبک شناسی نثر**، چاپ دوازدهم، تهران: میترا.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸) **تاریخ ادبیات ایران**، جلد ۴، تلخیص محمد ترابی، چاپ اول، تهران:

فردوس.

فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک شناسی نظریه‌ها، تهران: سخن.

معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی، چاپ بیست ششم، تهران: امیرکبیر.

References

Eskandar Beyk Monshi, (Turkman) (2013) **Abbasi Scholars**, edited by Iraj Afshar, fifth edition, Tehran: Amirkabir.

Bahar, Mohammad Taghi (2009) **Stylistics**, third edition, Tehran: Zavar.

Dehkoda, Ali Akbar (1998) **Persian Dictionary**, First Edition, Tehran: University of Tehran.

Shamisa, Sirus (1999) **A New Look at Badie**, Eleventh Edition, Tehran: Ferdows.

Shamisa, Sirus (2008) **Stylistics of prose**, Tehran, twelfth edition, Tehran: Mitra.

Safa, Zabihollah (1999) **History of Iranian Literature**, Volume 4, Summary of Mohammad Torabi, First Edition, Tehran: Ferdows.

Fotouhi, Mahmoud (2012) **Stylistics of theories**, Tehran: Sokhan.

Moein, Mohammad (2009) **Farhang-e Farsi**, twenty-sixth edition, Tehran: Amirkabir.

Analyzing the history of Alam Araey Abasi opus of Eskandar Beig-Monshi

Marjan Rezataji¹, Dr.Ahmad Zakeri²

Abstract

Alam Aray Abasi a the book is bound up with the Safavi monarchy from first king Esmail until end of the first king Abas monarchy written by Eskandar Beig-Torkaman one of Safavi's court secretaries. This book is the most noteworthy historical document in first king Abas and The king Safi monarchy's primary five years, and it is paramount book in its era. On this current article Alam Aray Abasi's book has been analyzed according to three approaches: linguistic, Literary and intellectual which the most significant feature is the abundance of curious Mongolian vocabularies, modifying the verses ,and adding to the Persian and Arabic poems. In this opus, there are ample multiplicity of thesauruses in so far that it precipitates additional sentences. Wasting the phrasing on an old way It causes lots of weakness in phrases that clear in Dari, not existing in this opus. In literary point of view, author tendency has different types of similes, riming prose and it searches in the field of meditation to spoken traditions (faith, values, knowledge) and behavioral traditions and pecuniary traditions (quality of hats, structures and tools). The presented article is trying to analyze style of the current opus.

Key words: Alam Araey Abasi, level of linguistic, level of literary, level of intellectual.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. marjanrezataji@yahoo.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Responsible author) ahmad.zakeri94@gmail.com